

ABSOLUTE THRESHOLD



Uploader:

Hotoke

Translator:

Kashk

Editor:

Baby Devil & baloot

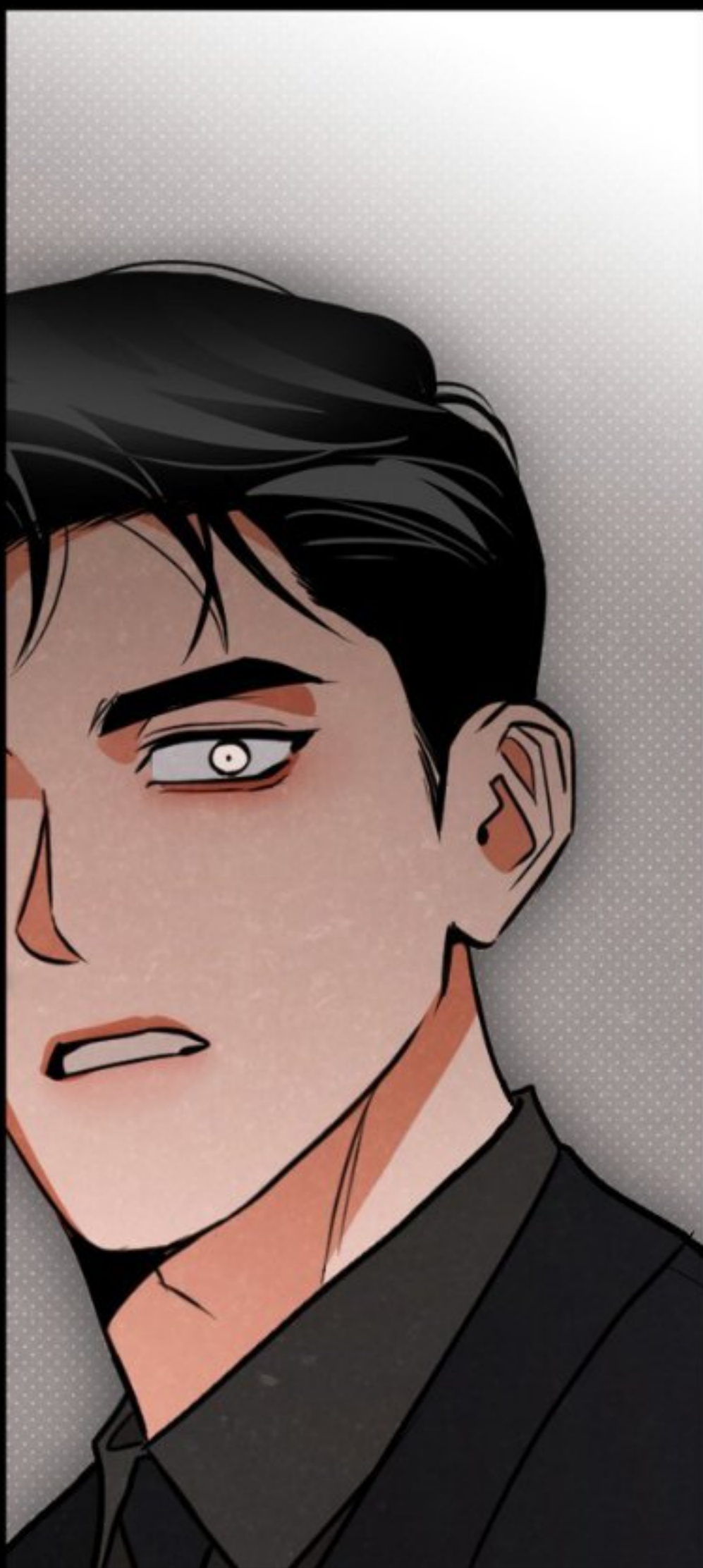
Director:

Mioka

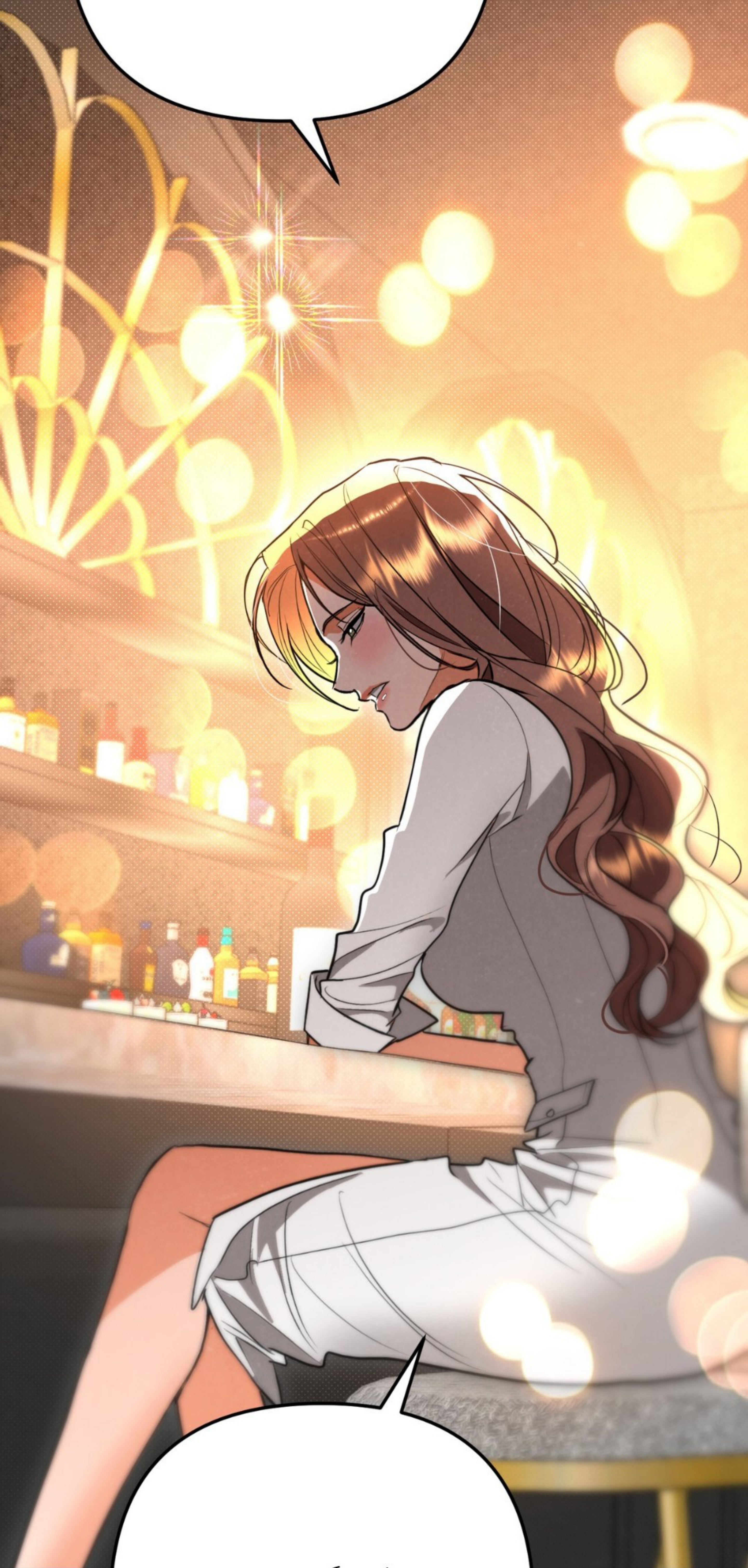
کاری از تیم ترجمه و ادیت
آنویں سسکای

Alaska

این طوری
نیست که اشتباه
بکنی.

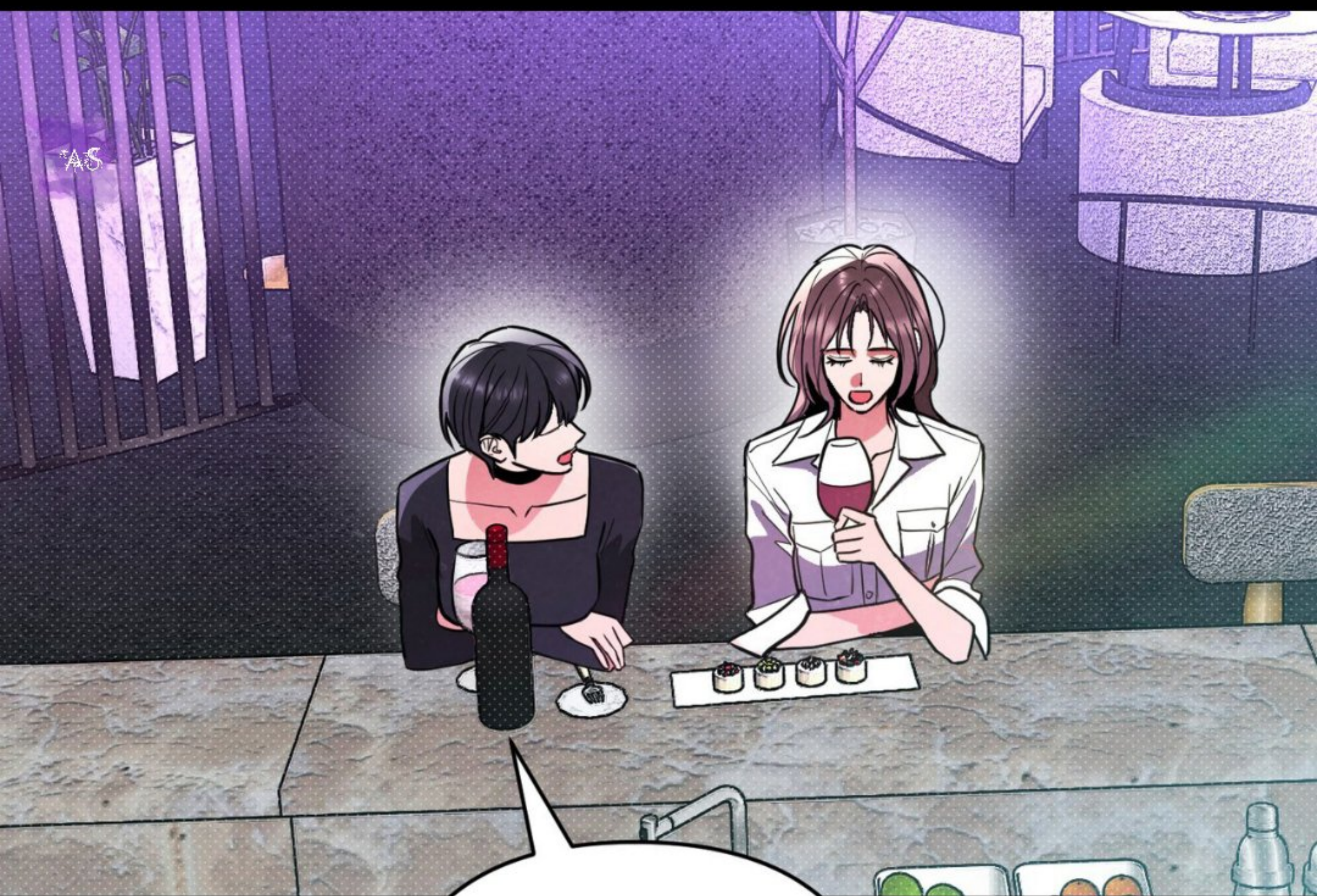


خودمم نمی‌تونم
بگم از این وضعیت
راضیم،



ولی دیگه چجوری
می‌تونستم سونبه رو
خوشحال نگه دارم؟

و وقتی شروع
کردیم به قرار گذاشتن،
یه چیزایی واقعی بود.



بازم، این دیگه
چه وضع تموم کردن
رابطه‌ست.

حداقل یکمم
عصبانی نیستی؟

نه، این طوری
تموم کردنش انتخاب
درستی بود.

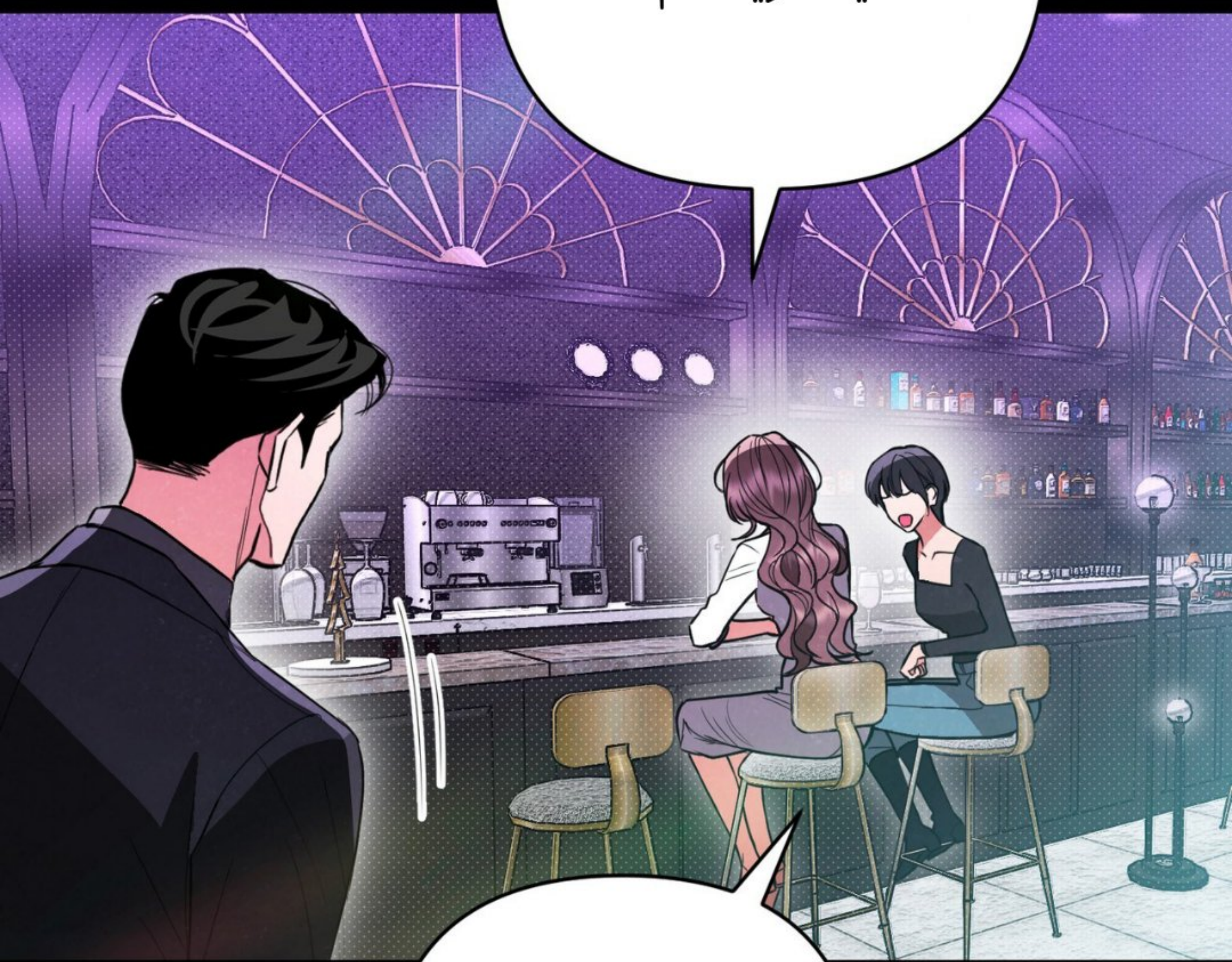




مگه این تنها
اتفاق نا عادلانه‌ایه
که افتاده.

پس تو هم قراره
همین طوری تمومش
کنی، بعد چسنا له‌هاتو
بیاری برای من؟

نه، خوبم. بعد
از امروز، قول میدم
دیگه گریه نکنم.



باشه، باشه.
حرفت رو کاملاً
باور کردم.

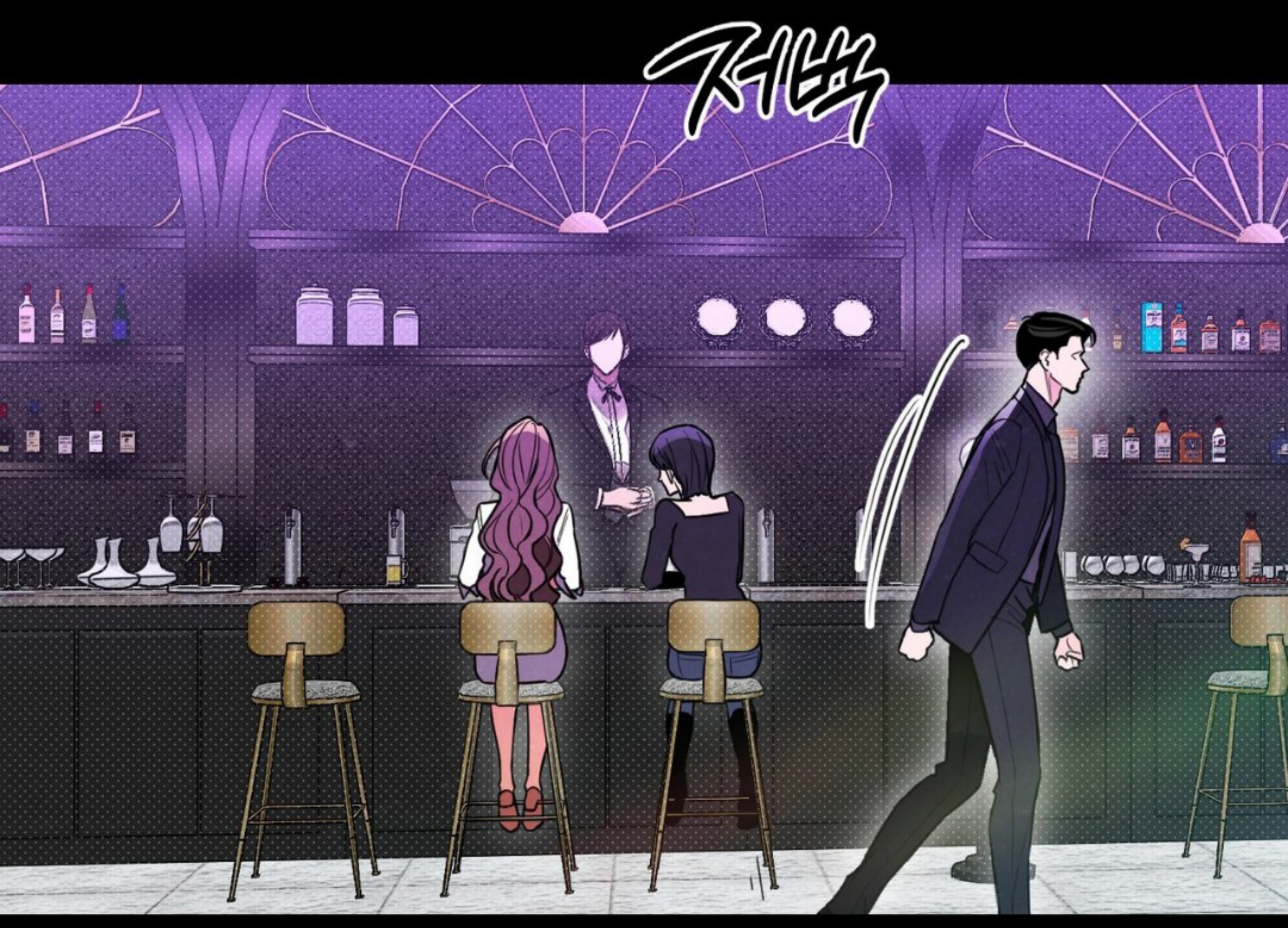
یکی دیگه از
اینا بهم بده.



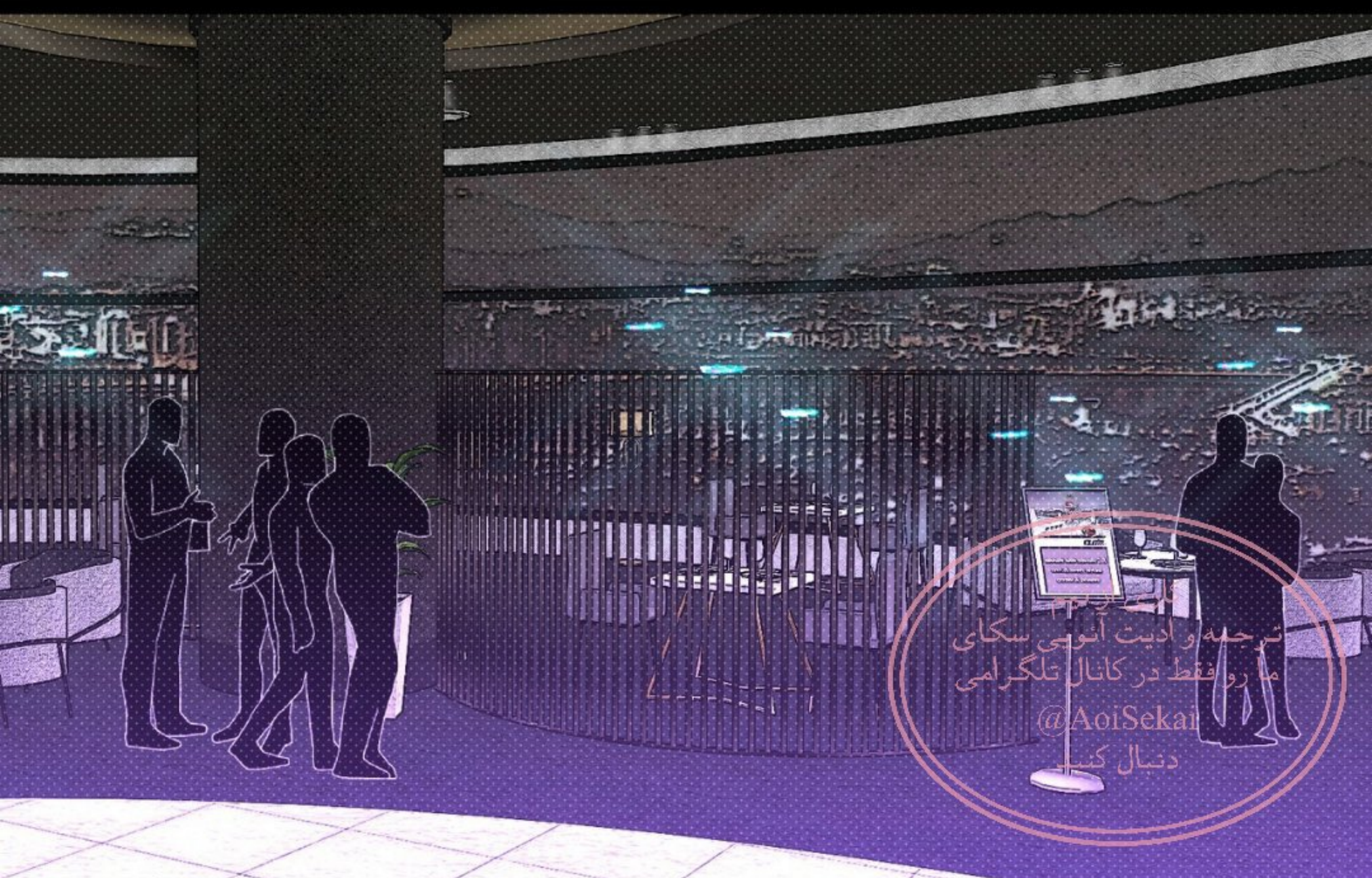
عشق اینجا،
عشق اونجا.

عشق لعنتی همه جا
هست. مگه چقدر خوبه
که اینقدر وقتمون رو
سرش تلف می‌کنیم؟

제출



حرومزاده‌های
رقت‌انگیز.





زمان زیادی
همینطوری گذشته...



هیونگ نیم،
دارین تشریف می‌برین
بیرون؟ کجا باید
بیرمتون؟

저러



خونه.

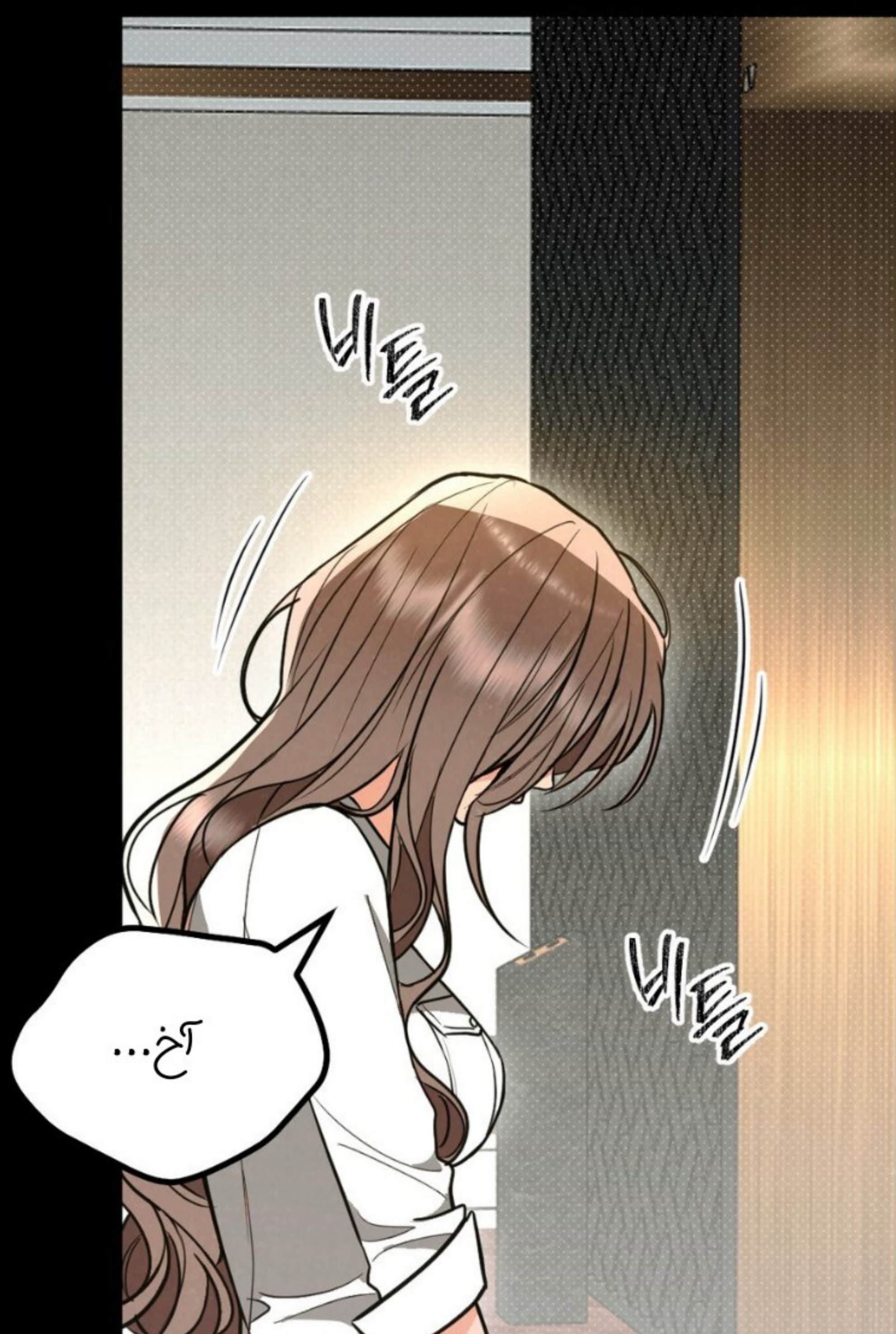
저러





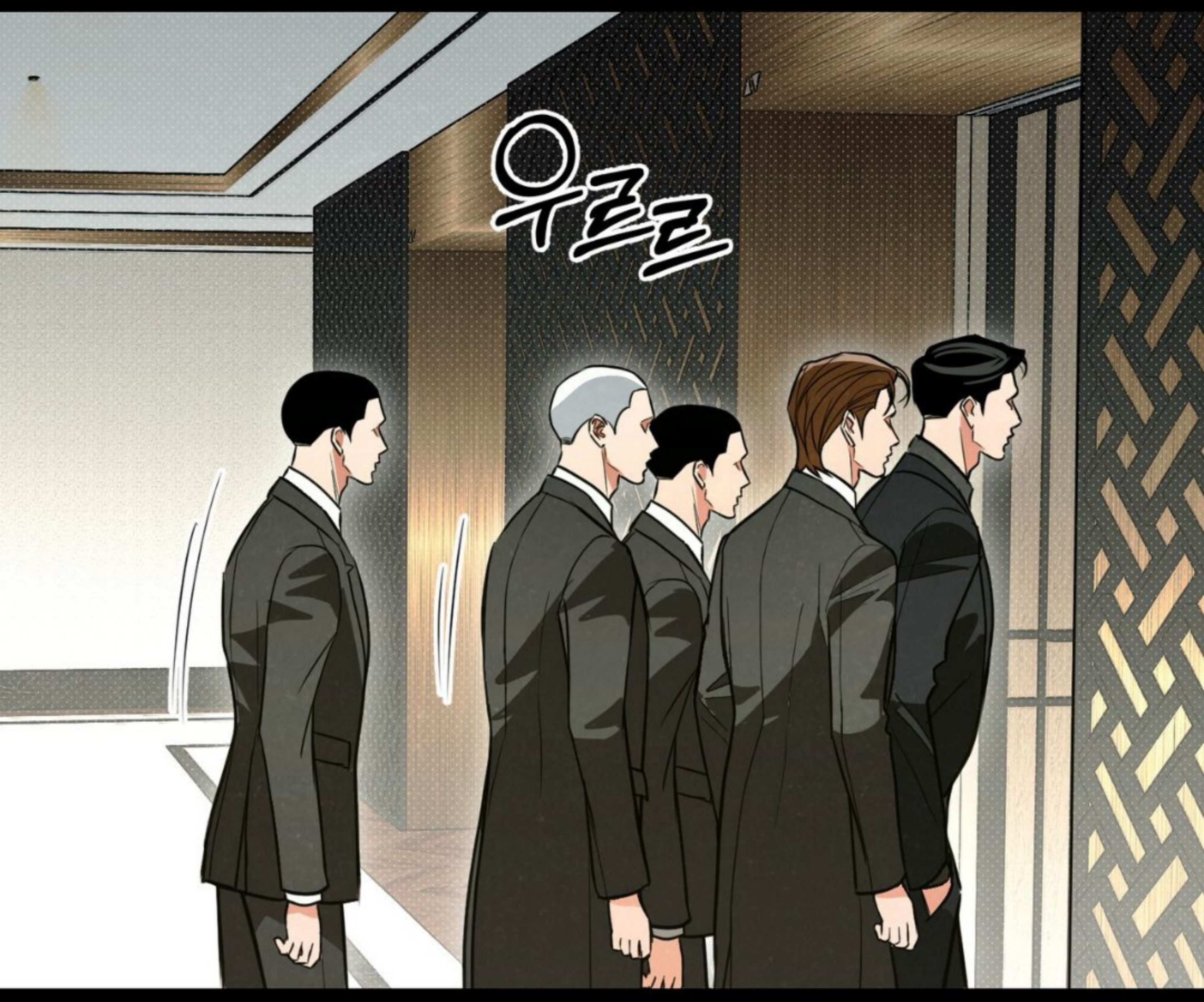
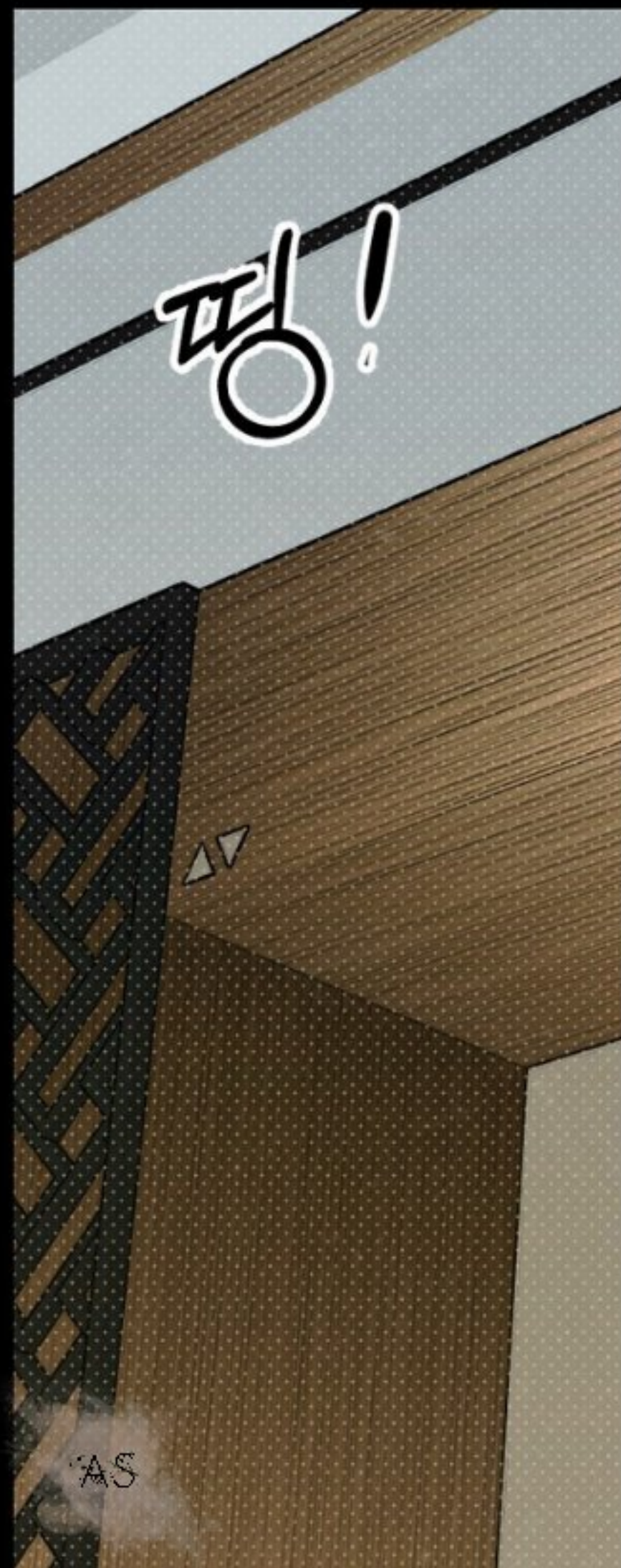
اون زن...

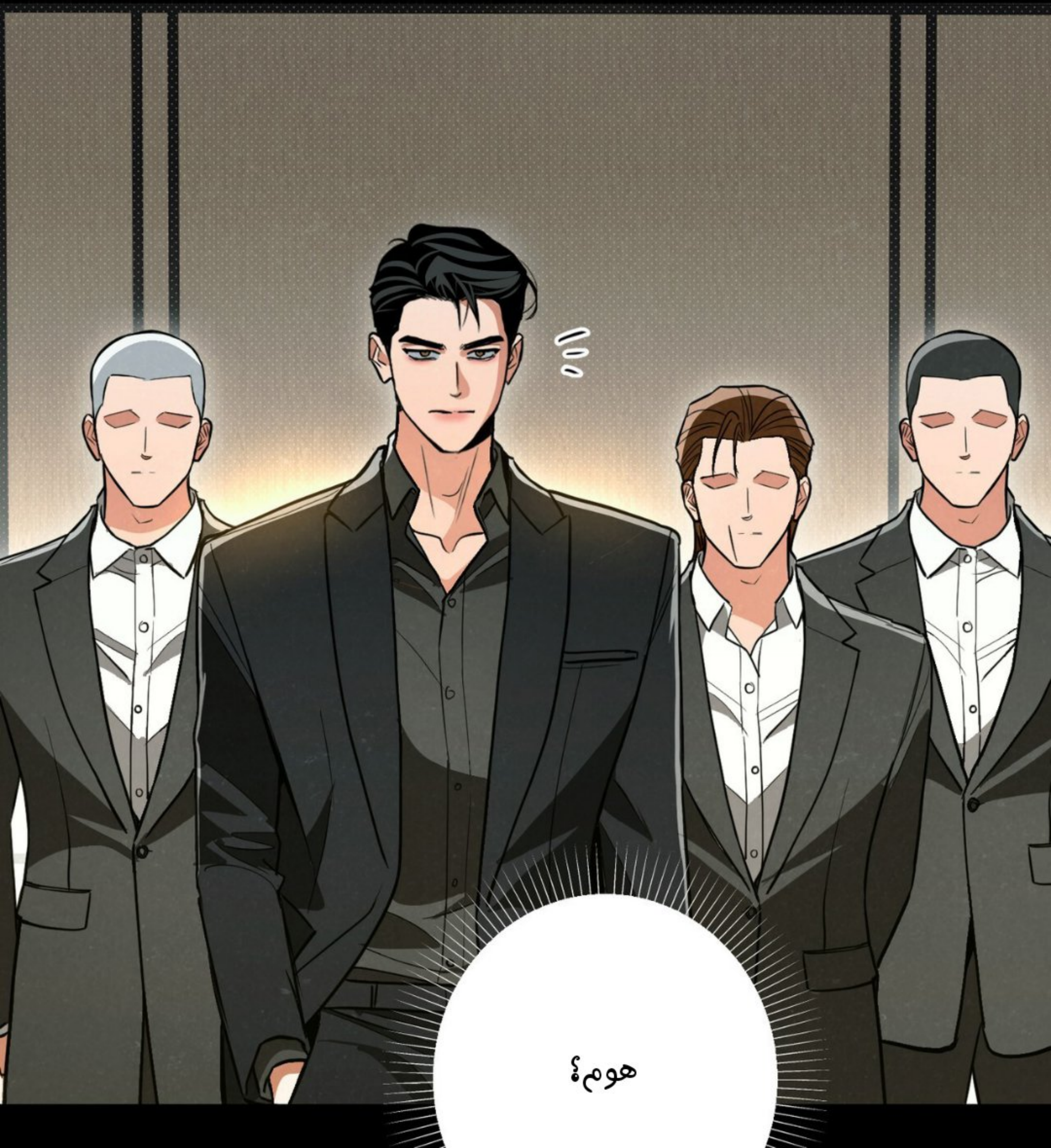
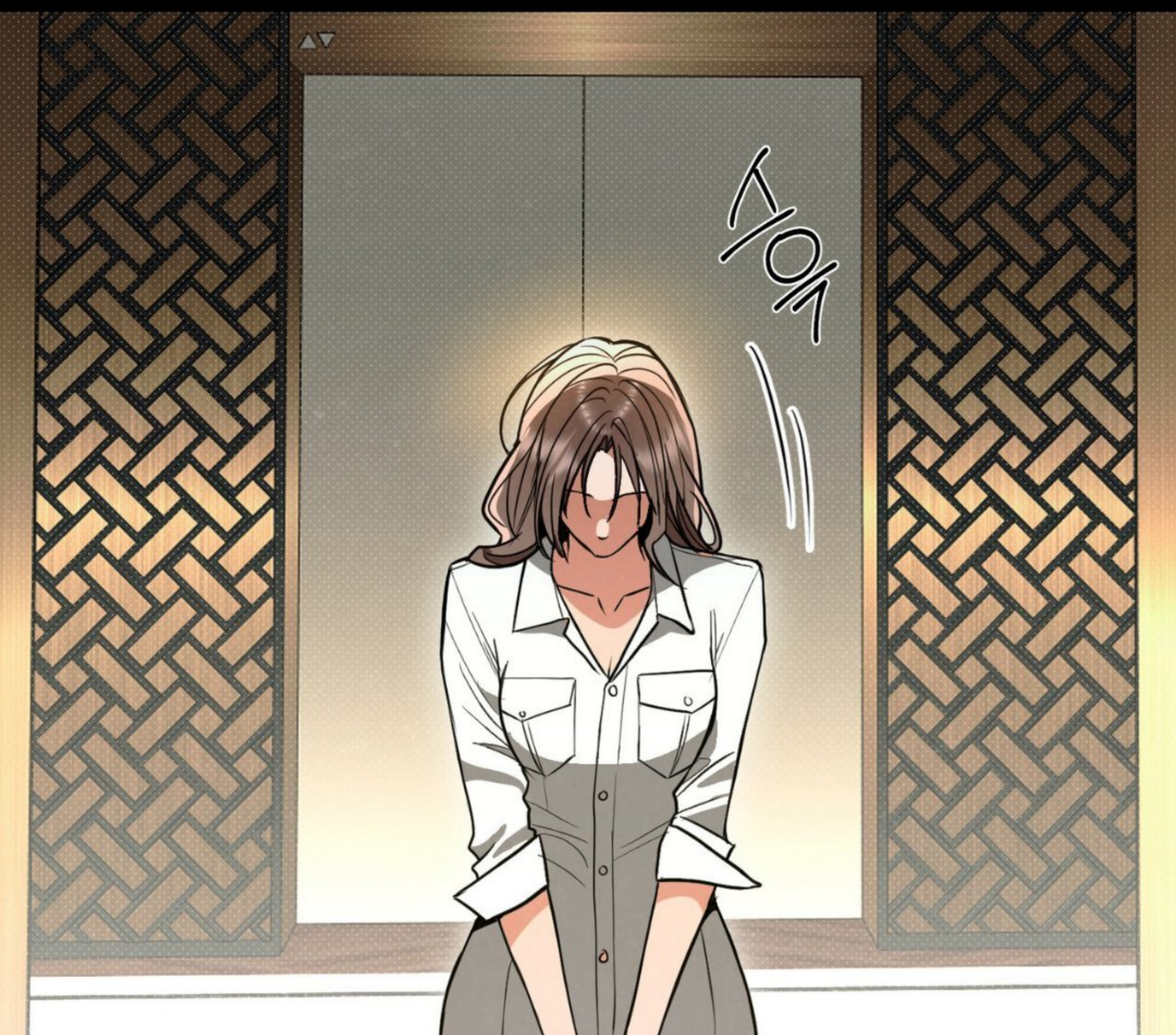




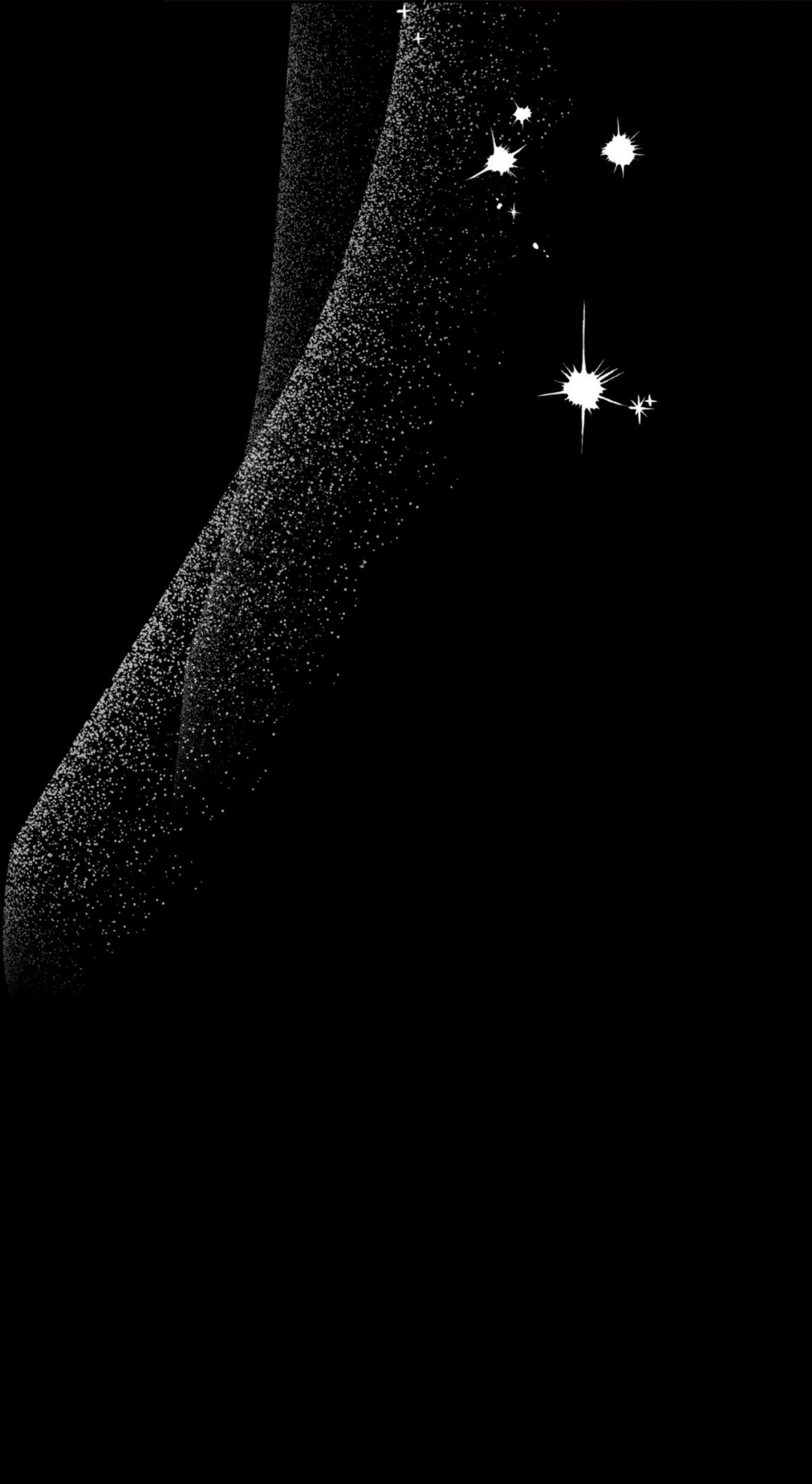
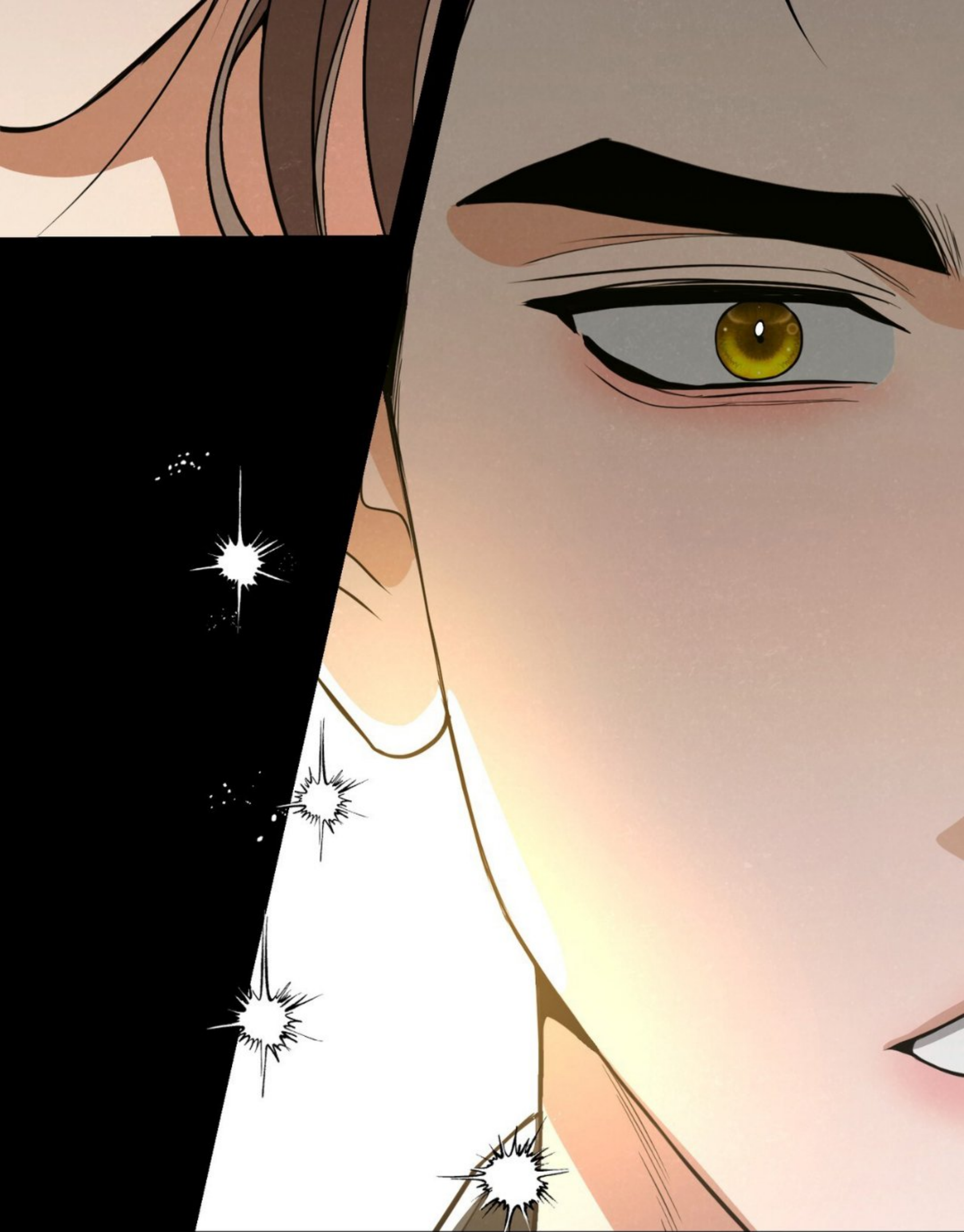
کاملاً مسته.



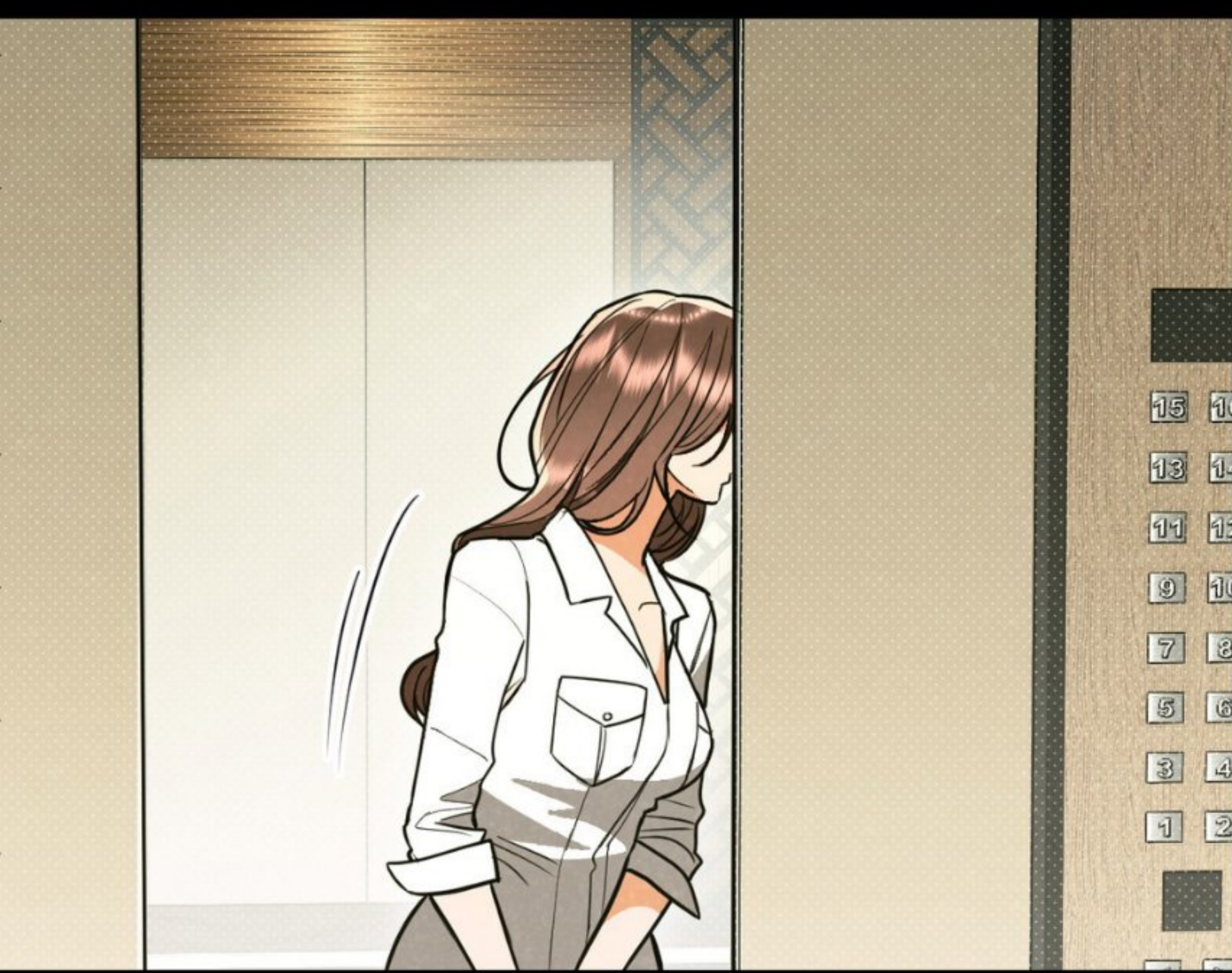


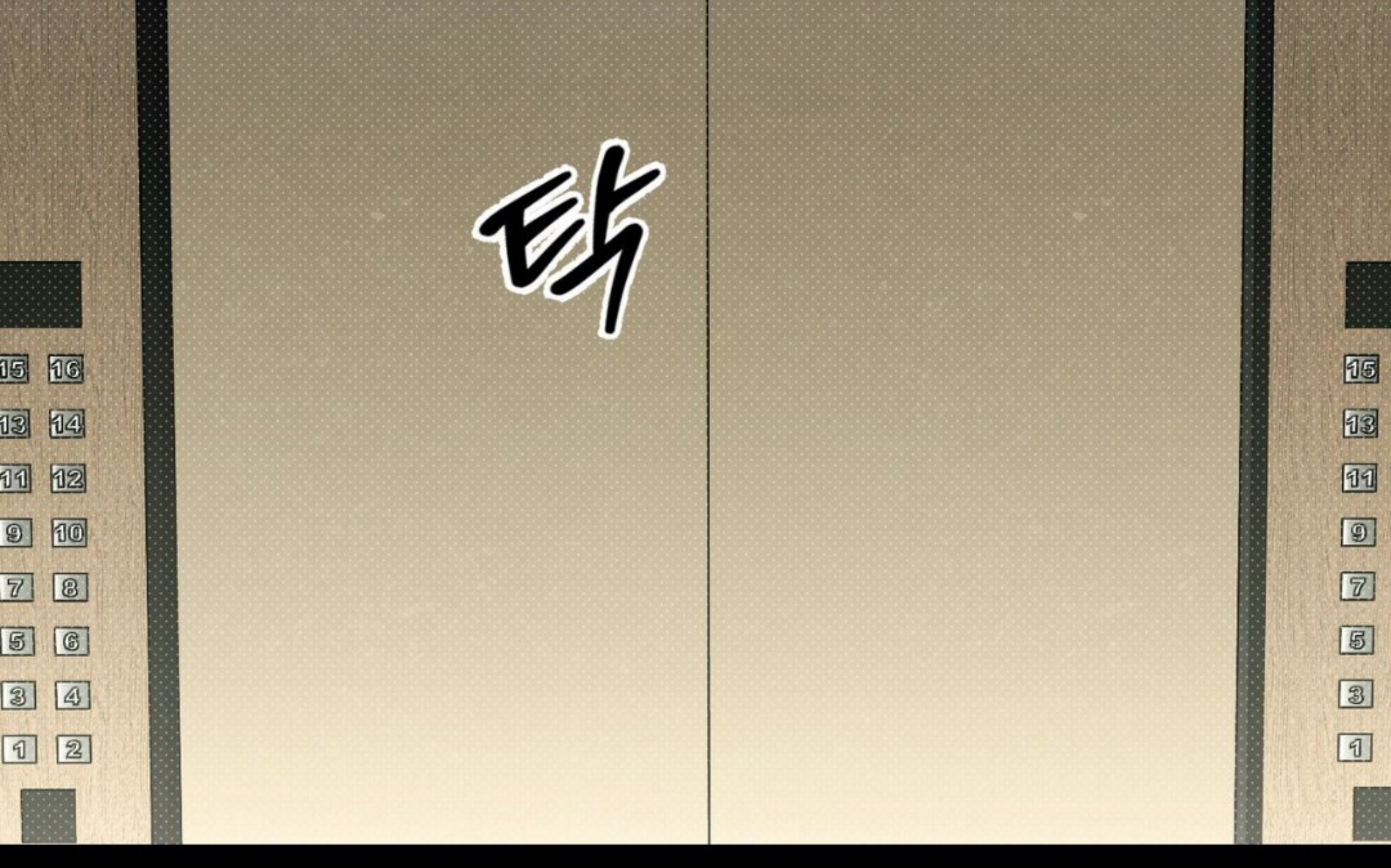






جومی. بیا
با هم بریم~

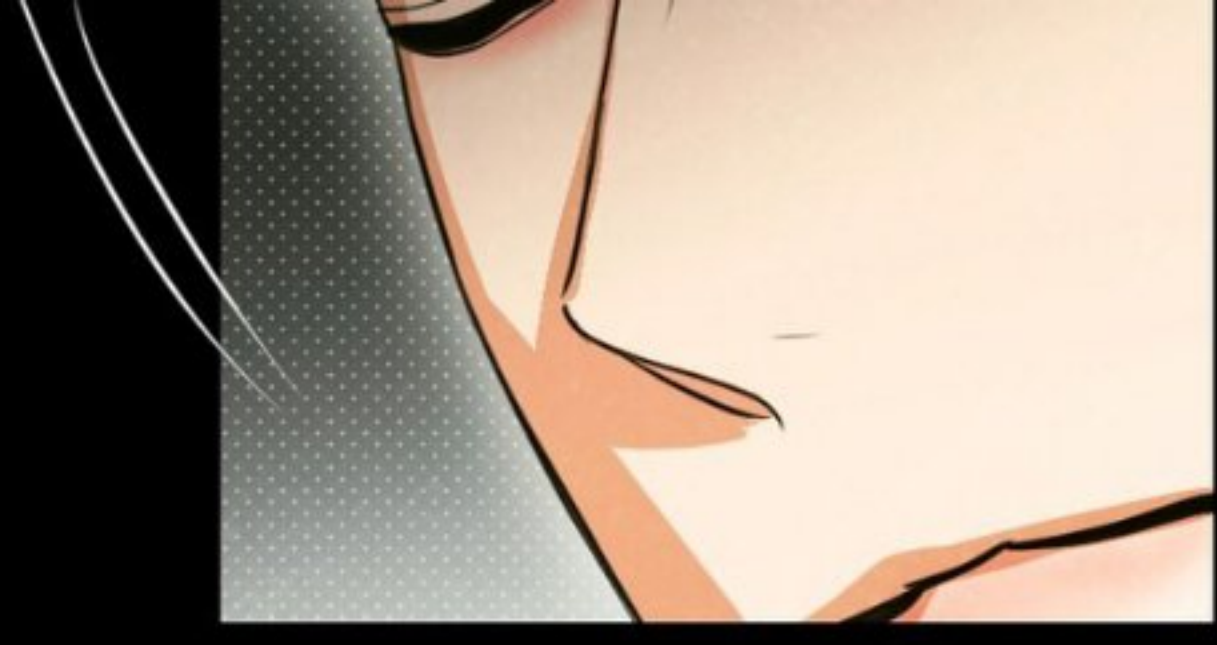


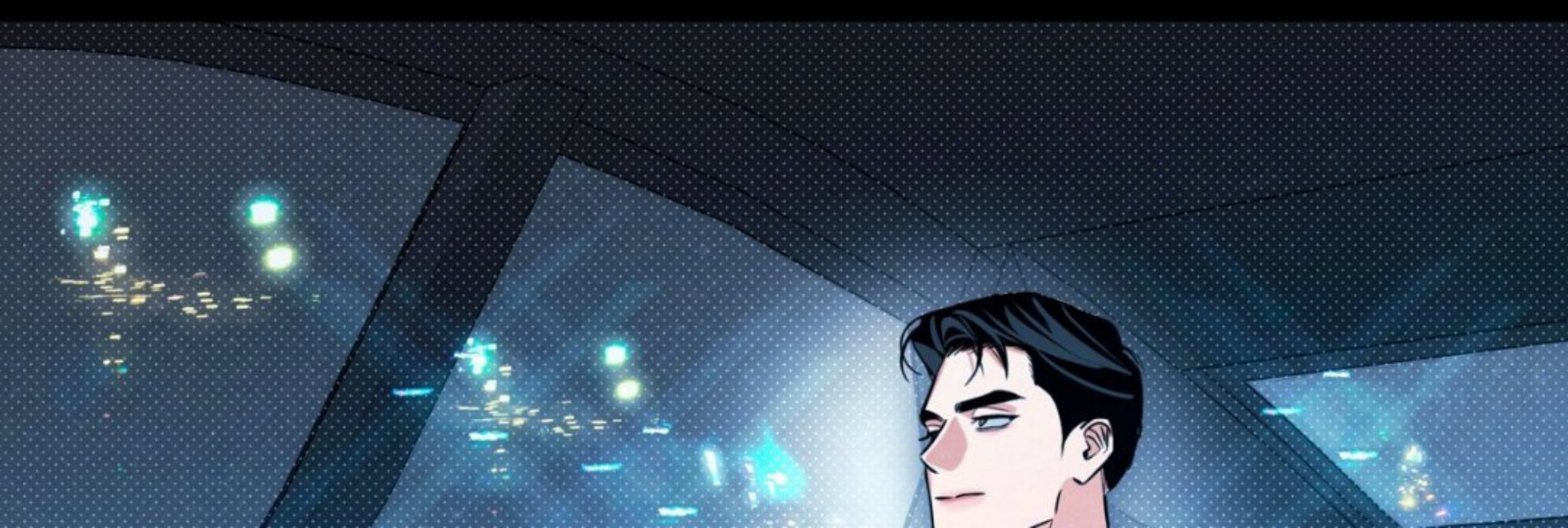


نکنه
منم مستم؟

하아...









هیونگ نیم،
حالتون خوبه؟

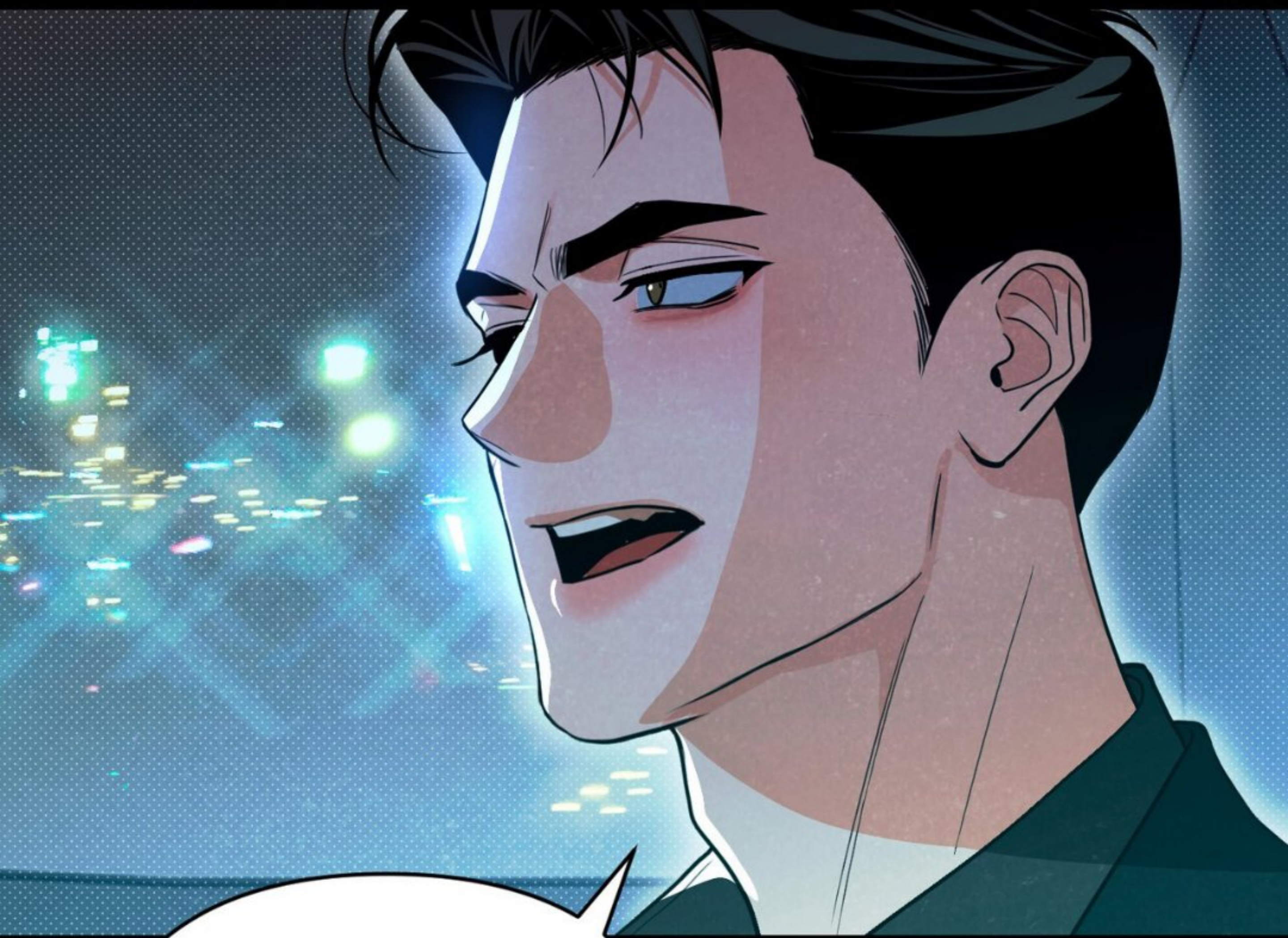
نه.



مریض شدین؟

می‌خواین
جای داروخونه
نگه دارم؟

فراموشش کن
و خفه شو.



فقط رانندگیت
رو بکن.

چشم،
هیونگ نیم.

*AS

부엉



کاری از تیم
ترجمه و ادیت انوئی سکای
ما فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنبال کنید

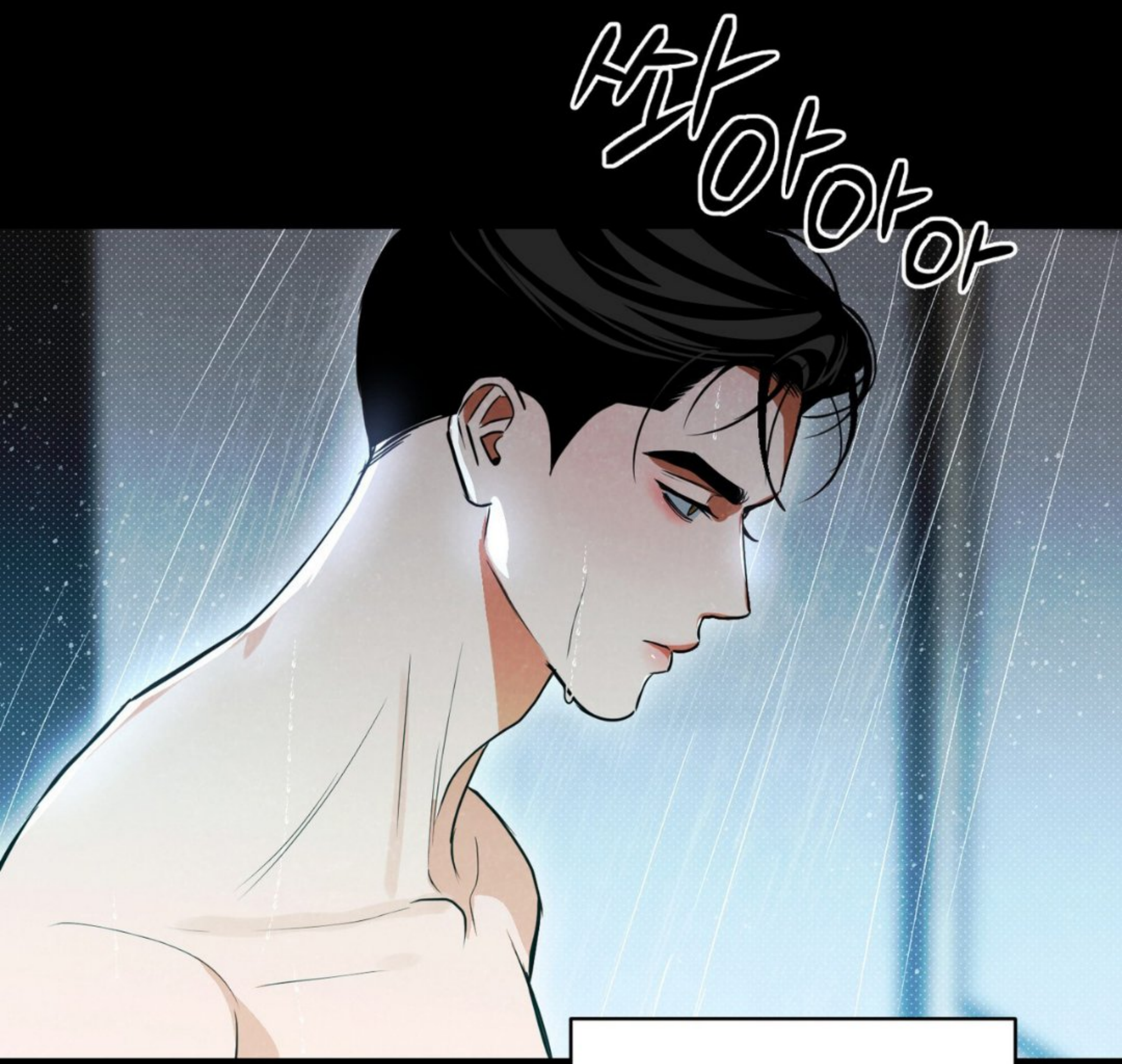


خیلی ساکت
و خالیه.



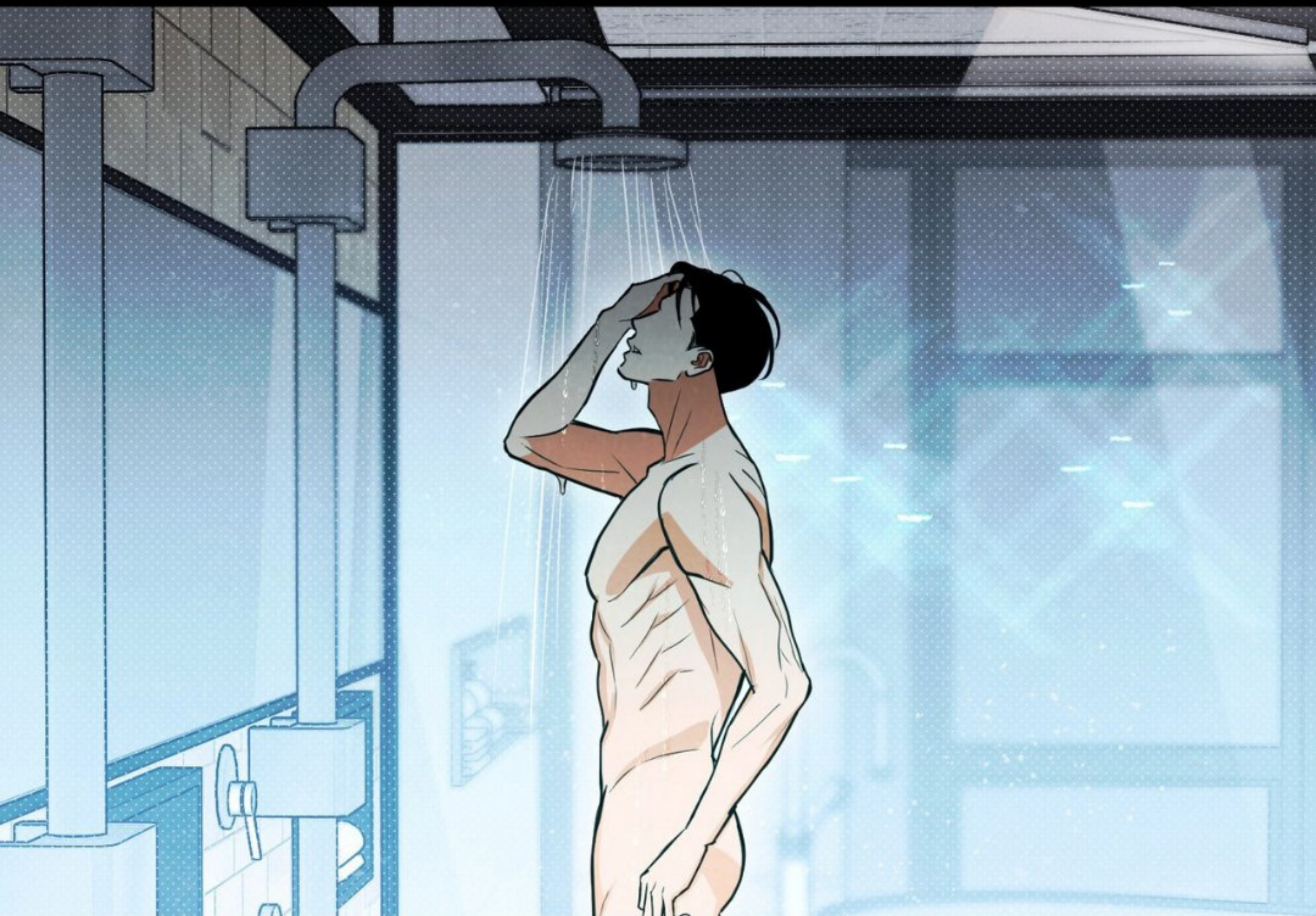
دیواری که هرگز
فرو نمی‌ریزه.

محل آرامشم که هیچ
کس جرئت نزدیک شدن
بهش رو نداره.



این سکوت آرامش
بخشی که همیشه داره.

زندگی‌ای که کسی
نمی‌تونه بهمش بریزه.



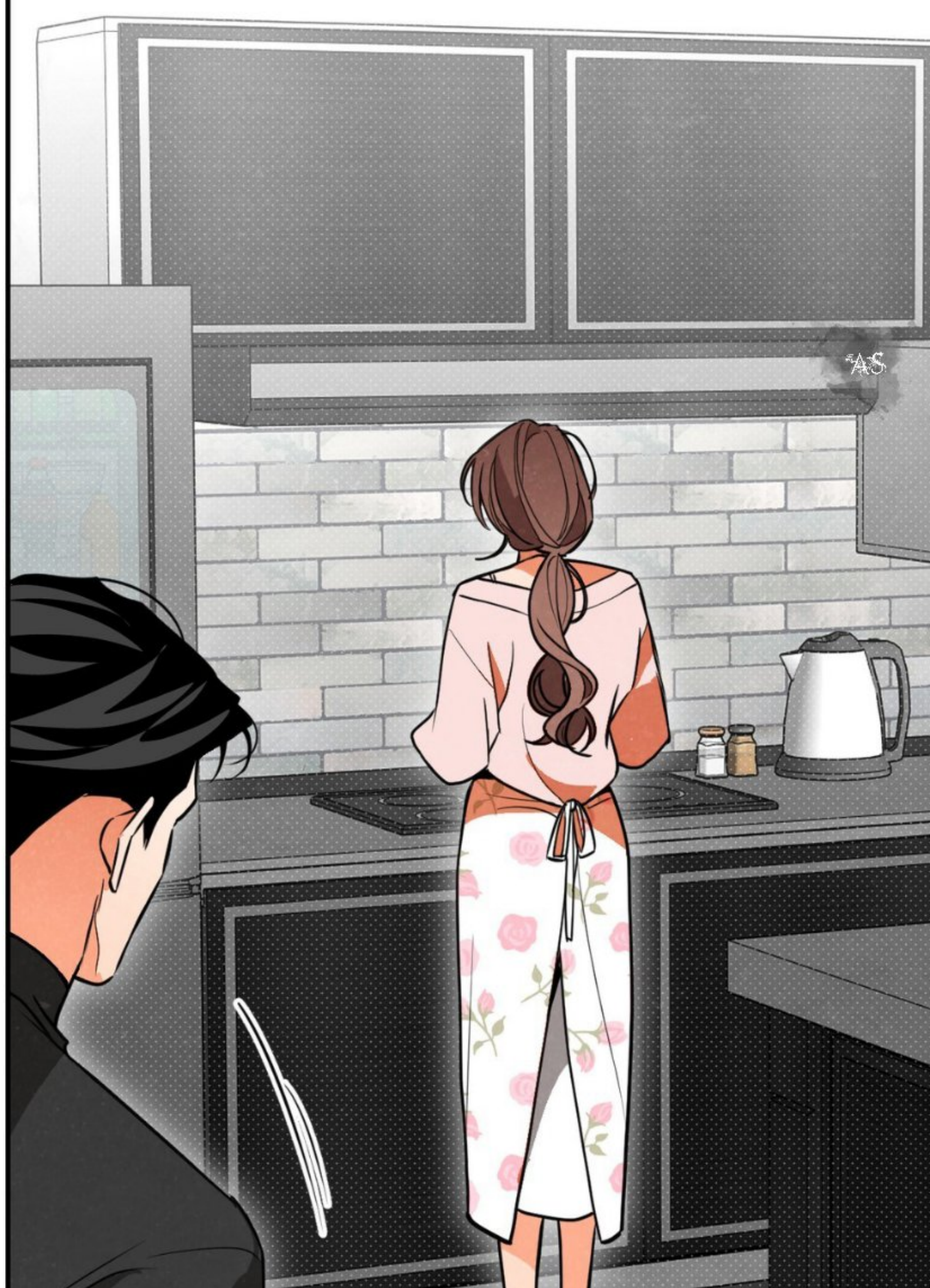
همه چیز
بی نقص بود.

آستانى مطلق

نویسنده: عیوگینول
آرتیست: یواگاما

چپتر: ۱۳





파악

گرفتمت.



بالاخره
اومدی؟

چرا نرفتی
بخوابی؟



خوابم نبرد،
پس اومدم اینجا
منتظر بمونم.

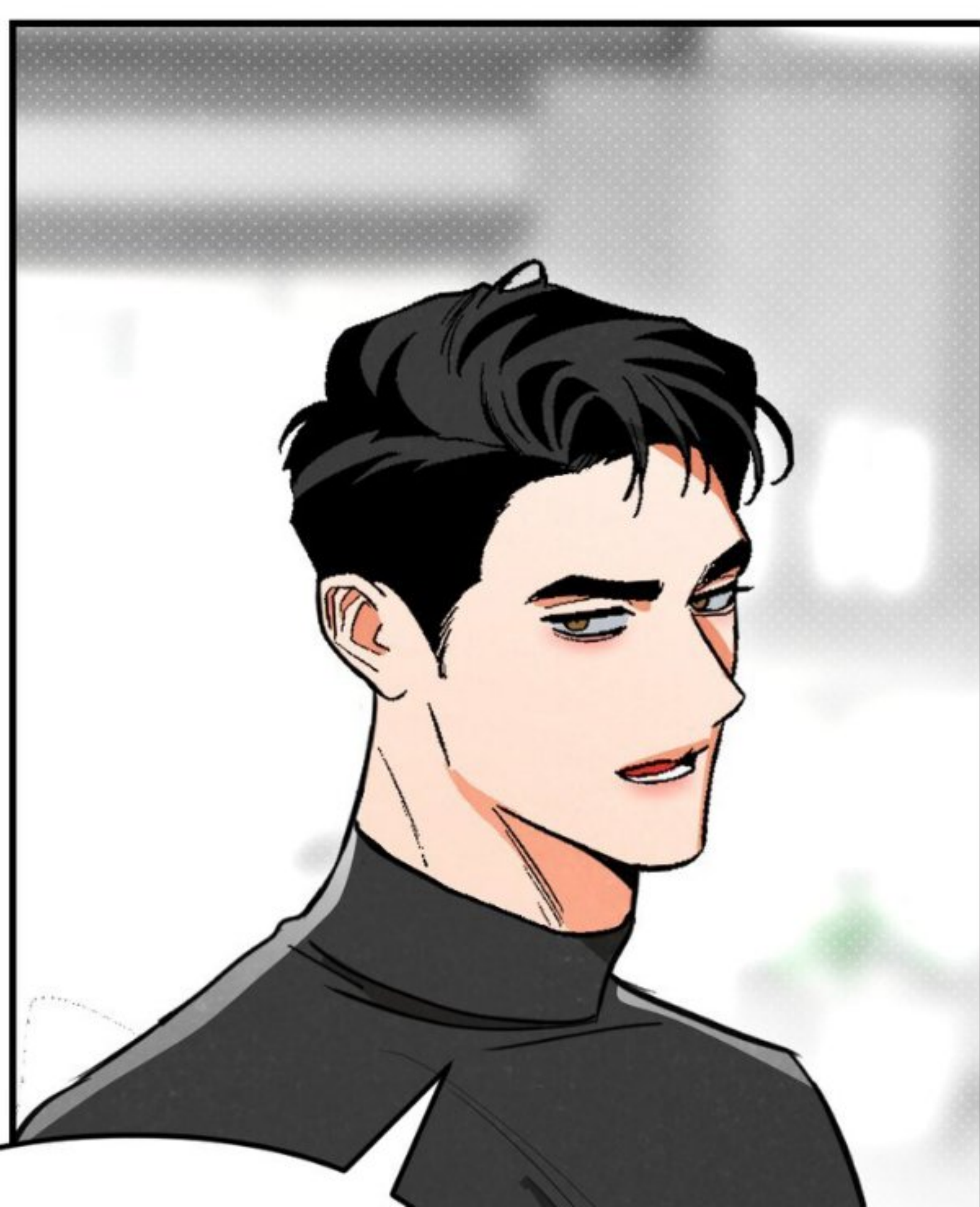
فکر کردم
وقتی بیای گشت
باشه.

و جیهو؟

تازه شستمش
و خوابوندمش.

بیشتر از
چیزی که انتظار داشتم
طول کشید.

واقعا سرت
شلوغ بود؟ اتفاقی که
برات نیفتاد؟



چقدر منتظر
موندی؟

ها؟

پرسیدم
چقدر منتظر
موندی.

خب، از موقعی که
گفتی داری کار رو
می‌بندی یعنی دو
ساعت پیش...

داری بهم دروغ
میگی؟



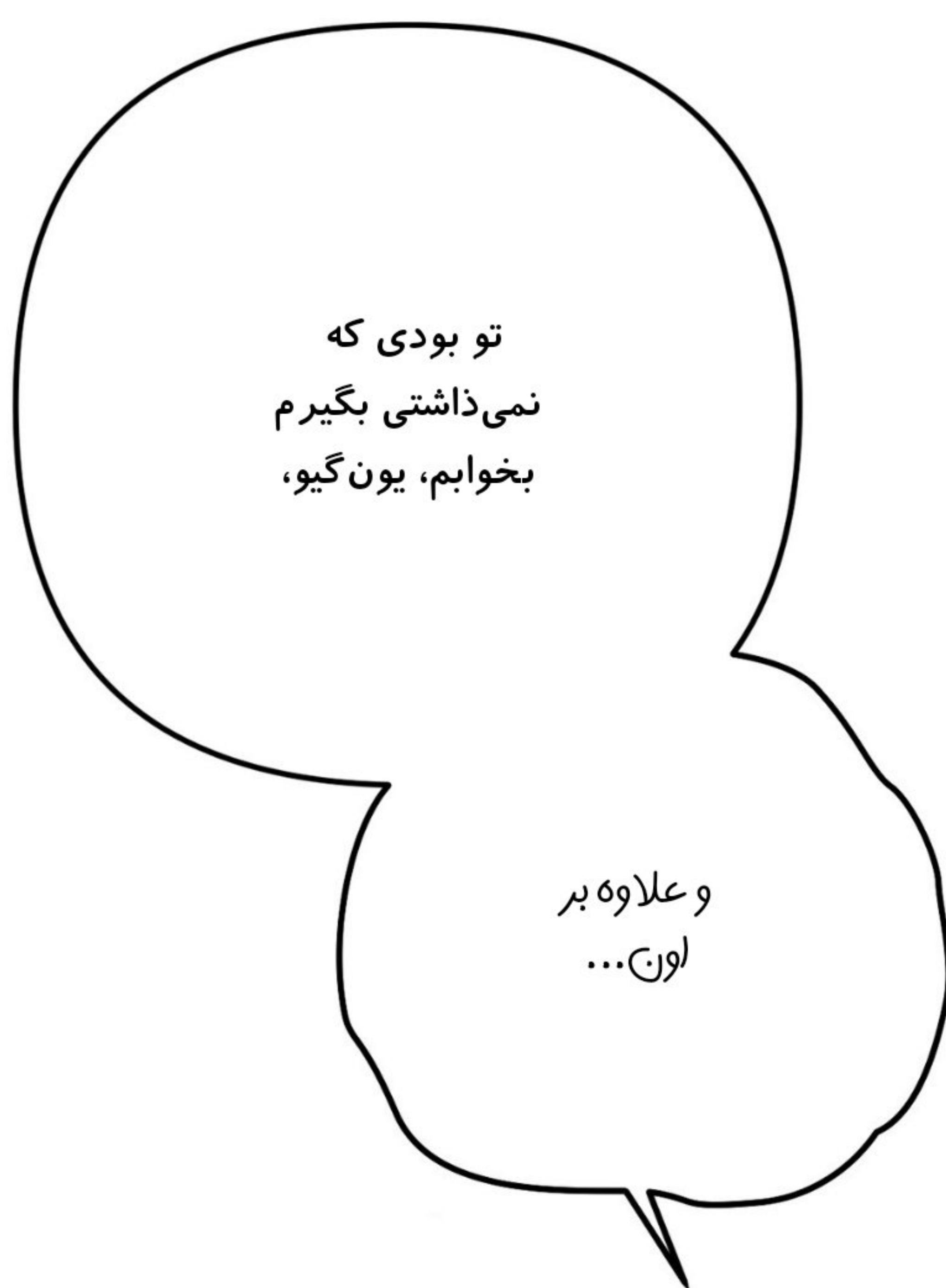
دروغ میگم؟

از روز اول سفر
کاریم، گوشی رو قطع
نمی کردی. برای طولانی کردن
تماس کوچکترین جزئیات رو
هم بهم می گفتی.



버럭

من ک-ک-کی
همچین کاری کردم!



تو بودی که
نمی داشتی بگیرم
بخوابم، یون گیو،

و علاوه بر
لونج...





پاهات رو
بیشتر باز کن.

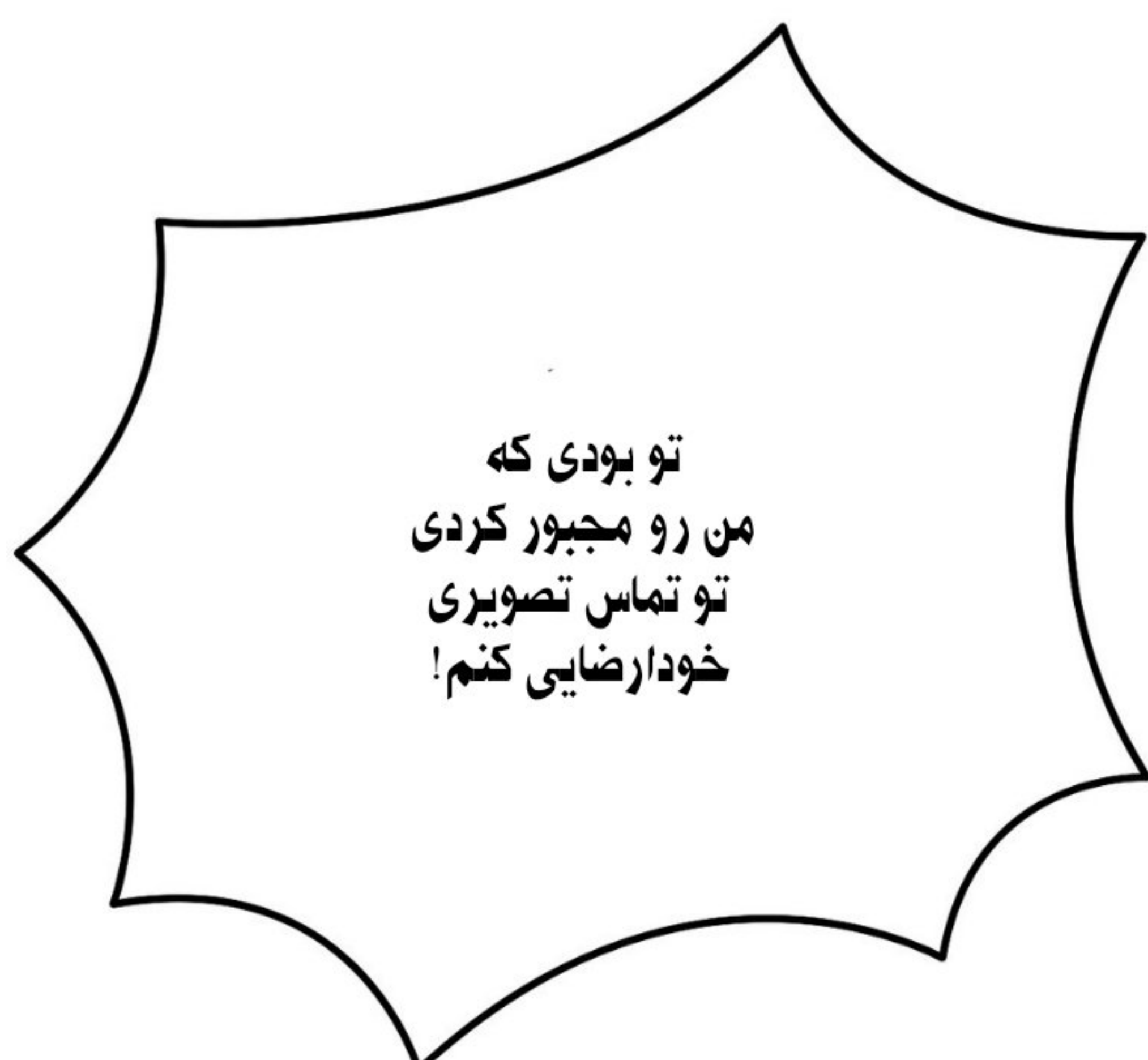
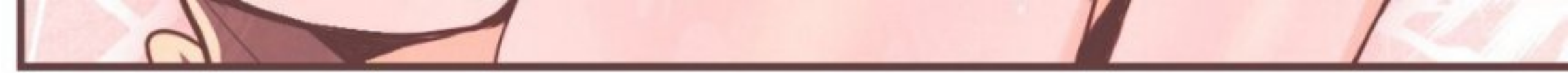


هنق، نناق،
آه!

به انگشت‌هات
زاویه بده تا بیشتر
بازشون کنی. آره
همین طوری.



ها، دیگه
نمی‌تونم، عاااه!



تو بودی که
من رو مجبور کردی
تو تماس تصویری
خودارضایی کنم!

ادامه دارد...

سلام
این فایلی که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoisekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/Aoisekai)